

ماهنامه

کنفرانس علمی بین المللی

بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

از پنجم تا هفتم ماه ژوئیه ۱۹۷۲ (۱۴ تا ۱۶ تیرماه ۱۳۵۱) کنفرانس علمی بین المللی مهمی در شهر پراگ منعقد بود. این کنفرانس که از جانب مجله صلح و سوسیالیسم و انستیتیوی مارکسیسم - لنینیسم جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

تدارک شده بود به بحث در باره پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تخصیص یافته بود. نمایندگان ۴۷ حزب کمونیستی و کارگری، و از جمله نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران در این کنفرانس شرکت داشتند. رفیق بوریس پاناماریف عضو مشاور دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، گزارش جامعی در باره «اهمیت بین المللی تأسیس و تکامل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» مطرح ساخت.

شرکت کنندگان کنفرانس هر یک ضمن سخنرانیهای خود اهمیت تاریخی جهانی تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را در مورد حل مسئله ملی در ساختمان سوسیالیسم و در سهمی که کشور شوراها و حزب کمونیست اتحاد شوروی در مبارزه آزادی بخش ملل جهان علیه یوغ اجتماعی و ملی، برای صلح، دموکراسی، استقلال ملی و سوسیالیسم ایفا نموده اند، متذکر گردیدند. بسیاری از ناطقین تصمیماتی را که در کشور های خود بمنظور بزرگداشت پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اتخاذ شده است خاطر نشان ساختند.

کنفرانس علمی پراگ که در محیط رفقانه و واقع بینانه ای جریان یافت این امکان را فراهم ساخت که نمایندگان احزاب برادر با موفقیت کامل و بنحو خلاق مسائل مطروحه را مورد بحث قرار داده و اطلاعات ذیقیمتی مبادله نمایند.

رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران که ریاست هیئت

نمایندگی حزب ما را در این کنفرانس عهده دار بود، پس از آنکه ضمن سخنرانی خود نقش عظیمی را که تشکیل نخستین دولت کارگری جهان و پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی آن در تحولات اوضاع نیمقرن اخیر تاریخ معاصر بشریت ایفا نموده است متذکر گردید، این نکته را خاطر نشان ساخت که حکومت شوراها با پایان دادن به ستم ملی در روسیه، با اعتدال خلقهای مورد ستم حکومت تزاری بدرجه ملتھائی آزاد دارای حقوق و آزادی های سیاسی برابر و سازمان دولتی خاص خود، بآنها امکان داد که در عین اجتناب از سیستم سرمایه داری بوا پس ماندگیهای دیرین، چه در زمینه اقتصادی و چه در عرصه اجتماعی و فرهنگی خاتمه دهند. تشکیل دولت کثیر-الملله شوروی یکی از بزرگترین منابع الهام انقلابی برای خلقهای کشور های مستعمره و وابسته گردید و بآنها نشان داد که رهائی از یوغ تسلط امپریالیستی امری است در عمل تحقق پذیر.

سیس ناطق به شکوفندگی اقتصاد و فرهنگ ملی جمهوریهای شوروی و از جمله جمهوریهای آسیای میانه و ماوراء قفقاز طی پنجاه سال حکومت کارگری اشاره نموده، به شرح مشاهدات نمایندگان حزب ما که اخیراً برخی از جمهوریهای شوروی همسایه ایران را مورد بازدید قرار داده بودند پرداخت و اظهار داشت: «اگر سال ۱۹۱۳ را بمثابه پایه بپذیریم آنگاه دیده میشود در حالیکه تولید صنعتی در مجموع اتحاد جماهیر شوروی تا سال ۱۹۷۱، ۹۹ بار رشد یافته است، طی همین مدت تولید صنعتی بلوروسی ۱۱۳ بار، تولید صنعتی کازاخستان ۱۵۸ بار، دنباله در صفحه ۴

برای اتخاذ يك سياست مستقل

در مورد نفت

(اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

۱ - مذاکرات با کنسرسیوم

و هدف آن

چنانکه شاه در مصاحبه خود در لندن مطرح کرده و جراید ایران نیز خبر داده اند قرار است در جریان ماه مرداد مذاکراتی بین دولت ایران و کنسرسیوم بین المللی نفت بعمل آید.

تدارک این مذاکرات مدتهاست که دیده شده است. در مذاکرات آتی هدف کنسرسیوم آنست که قبل از بسر آمدن مهلت قرار داد تحمیلی موجود، از هم اکنون با برخی تعدیلات تسلط غارتگران خود را حفظ کند و تا زمانیکه وضع عمومی جهان برای وی آسین هم نامساعد تر نشده است، این تسلط را با قرار و مدارهای تازه ای تحکیم نماید. هدف دولت ایران بنویه خود آنست که در قبال بدست آوردن امتیازاتی که رژیم

آنها «مشارکت در بازار جهانی» جلوه گر میسازد عملاً سلطه اقتصادی و سیاسی کنسرسیوم را برای مدت طولانی که تا پایان قرن حاضر را در بر میگیرد، حفظ نماید.

مردم ایران باتکاء تجارب تلخ گذشته و روش دولت ایران حق دارند از این مذاکرات و هدفهایی که تعقیب میشود بشدت نگران باشند. واقعیات تاریخی نشان میدهد

که «کنسرسیوم بین المللی نفت» عملاً نتایج مبارزات عظیم مردم ایران را در راه ملی کردن صنایع نفت نقض و نفی کرده وسالیان دراز است مهمترین ثروت ملی ما را بغارت میبرد. واقعیات همچنین نشان میدهد که دولت ایران در این نقض عملی قانون ملی کردن نفت دستیار و مدد کار اصلی کنسرسیوم بین المللی نفت بوده و هست.

دنباله در صفحه ۲

اعترافات وزیر کشاورزی

در باره بحران عمیق در کشاورزی و دامپروری ایران

۱ - مشکلات کشاورزی

و دامپروری در ایران

مهندس منصور روحانی وزیر کشاورزی در هفته های اخیر بیاناتی کرده است که هدف آن ستودن اقدامات انجام یافته از طرف رژیم در امر کشاورزی و بیان سیاست عمومی وی دائر به ایجاد واحدها و قطبهای بزرگ کشت و دامپروری است، ولى این بیانات ضمناً محتوی اعترافاتى است.

روحانی در اجتماع نمایندگان آذربایجان در کاخ نخست وزیری (اطلاعات - ۱۵ تیر ۱۳۵۱) گفت: «سبب که در سال گذشته ده هزار تن وارد شده، اگر فوراً این میوه را تکثیر نکنیم تا پنجسال دیگر ناگزیر

میشویم ۲۰۰ هزار تن وارد کنیم» و نیز گفت: «دولت برای جلوگیری از گرانی گوشت سالی صد میلیون تومان ضرر متحمل میشود و شاید هم این ضرر به دوست میلیون تومان برسد... دامداری سنتی صدی ۶۶ سود میدهد، بهمین جهت دامداران بسیاری از مراتع را که در حدود یک میلیون هکتار میشود، از بین برده اند.»

وزیر کشاورزی در جلسه «کانون ناسیونالیستها» نیز اظهاراتی کرد (کیهان ۳۱ خرداد ۱۳۵۱) که آن نیز حاکی از مشکلات مهمی است که کشاورزی و کشاورز ایرانی با آن دست بگریبان است. وی گفت: «اگر تولید ناخالص ملی

دنباله در صفحه ۲

تسلیمت بمناسبت در گذشت

رفیق اسمعیل پیشنهادی

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

با نهایت آندوه اطلاع یافتیم که رفیق ارجمند و با سابقه ما اسمعیل پیشنهادی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران بعلت بیماری قلبی در سن ۵۶ سالگی در بیمارستان شهر باکو در گذشت. رفیق پیشنهادی بعلت مختصات انسانی و حزبی خود در نزد دوستان و آشنایان محبوب و محترم بود و در گذشت نابهنگامش تأسفی عمیق ایجاد کرد. کمیته مرکزی حزب توده ایران و هیئت تحریریه ماهنامه «مردم» ارگان مرکزی بدینوسیله این ضایعه را بخانواده محترم پیشنهادی و بهمه رفقای حزبی از صمیم قلب تسلیت میگویند. خاطره روشن رفیق پیشنهادی پیوسته در ضمیر دوستان وی باقی خواهد ماند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

هیئت تحریریه ماهنامه «مردم»

برای اتخاذ يك سياست مستقيم در مورد نفت

دولت ایران در تبلیغات خود دعوی میکند که گویا در ایران نفت ملی است و امور نفت کشور در دست يك شرکت ملی نفت است. ولی با ظواهر امور نمیتوان حقایق را پنهان داشت و افکار عمومی را فریب داد. چه کسی نمیداند که علیرغم وجود این قانون در اثر تسلط کنسرسیوم بین المللی اثرات واقعی آن معوج شده است، بنحوی که مابین ایران که چنین قانون معتبری را در دست دارد و کشورهای دیگر تولید کننده نفت که نفت خود را ملی نکرده اند در عمل تفاوتی نیست: چه در آنجا و چه در اینجا کارتل بین المللی نفت که (در ایران بنام کنسرسیوم عمل میکند) با اختیار و تسلط کامل مشغول غارتگری است؛ اگر تفاوتی هم باشد در جهت منفی است یعنی در آنجاست که ایران غرامت مؤسسات نفتی را پرداخته، با اینحال از جهت درآمد امتیازی بر دیگر کشورهای تولید کننده نفت در خاور میانه ندارد. به همین جهت است که مسئله مرکزی برای مردم ایران در موضوع نفت اجراء تمام و کمال قانون ملی کردن صنایع نفت و خاتمه دادن به تسلط غارتگرانه کنسرسیوم است.

این شعار مبرم مردم ایران است. آیا این شعار، شعاری واقعی و عملی است؟ مبلغان رژیم در قبال این شعار چنین سفسطه ای را به پیش میکشند که گویا مخالفان بند و بست با کنسرسیوم و طرفداران اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن نفت خواستار «اقتصاد بدون نفت» است، طرفدار بستن فوری شیرهای نفت و ایجاد مشکلات مالی هستند. میخواهند چنین جلوه دهند که فقط با قبول تحمیلات کارتل بین المللی نفت میتوان از نفت ایران عوایدی بدست آورد.

روشن است که ما برای کشوری مانند ایران اقتصاد بدون نفت را صحیح نمیدانیم، ولی در عین حال طرفدار اجراء تمام و کمال قانون ملی کردن هستیم، زیرا بر آنیم که در شرایط جهان امروز اجراء این قانون کاملاً واقع بینانه است.

مسئله نفت در جهان امروز

مسئله نفت در جهان امروز بیش از همیشه کسب اهمیت کرده است. کشورهای رشد یافته سرمایه داری اروپا و نیز ژاپن قسمت عمده نزدیک بشمام مصرف نفتی خود را از کشورهای صادر کننده نفتی که در سازمان «اوپک» متشکلند بدست میآورند. از آنجمله حوضه نفتی خلیج فارس که دارای مهمترین منابع نفتی جهان سرمایه داری است اهمیت شگرفی برای تأمین این ماده گرانبهای سوخت، انرژی و پتروشیمی کسب کرده است. کافی است گفته شود که کشورهای اروپای غربی ۷۰ درصد نفت خود را از حوضه خلیج فارس بدست میآورند. این امر کشورهای امیریا-لیستی را که دارای صنایع رشد یافته و از هر باره به نفت و محصولات نفتی نیاز حیاتی

دارند عملاً به کشورهای عضو سازمان «اوپک» بنوعی وابسته ساخته است، یعنی بطور عینی این وضع را بوجود آورده است که کشورهای صادر کننده نفت، متشکل در «اوپک»، با در دست داشتن این اهرم بسیار مقتدر قادرند، در صورت عمل مشترک و بالا بردن حد مقاومت خود، کارتل بین-المللی نفت را که نیرومندترین انحصار جهان سرمایه داری است به عقب نشینی های بزرگ وادارند.

موفقیت های کشورهای صادر کننده نفت مانند عراق، الجزایر، لیبی، ونزوئلا و دیگر کشورهای عضو اوپک در سالهای اخیر محصول مستقیم همین شرایط است.

عامل بسیار مهمی که در جهان امروز هر چه بیشتر ونبرومند بسود کشورهای جهان سوم تأثیر میکند، تغییر بلا انقطاع تناسب نیروها در صحنه جهانی بسود سوسیالیسم و بزبان نیروهای امپریالیستی است. این تغییرات همسراه با اوج روز افزون مبارزات ضد امپریالیستی در کشورهای جهان سوم، همراه با تشدید تناقضات مختلف در اردوگاه امپریالیستها (و از آنجمله اختلاف روش آنها در مسئله نفت و برخورد به «اوپک») میدان را بر امپریالیسم و کارتل غارتگر بین المللی روز بروز تنگتر میکند.

به همین جهت با اطمینان میتوان گفت که برای کشورهای صادر کننده نفت و از آنجمله برای مپهن ما ایران (که یکی از مهمترین صادر کنندگان نفت در حوضه خلیج فارس است و در سال ۱۹۷۰ برابر با ۲۶ درصد تولید نفت خام خاور میانه را تأمین میکرده) امکانات واقعی عینی برای تنظیم يك سیاست نفتی-مستقل از کارتل بین المللی نفت بوجود آمده است.

سیاست مستقل در مورد نفت بجهت معناست

ما معتقدیم که بجای بندوبست با کنسرسیوم بین المللی نفت و قبول قیمومت کارتل بین المللی، در شرایط مساعد جهان امروز و وضع ویژه در مسئله نفت در این جهان، ما میتوانیم سیاست مستقل خود را در مسئله نفت بر پایه اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن نفت و خاتمه دادن به تسلط غارتگرانه کنسرسیوم تنظیم و اجراء کنیم. این کار در دوران ما از هر جهت هم از لحاظ فنی، هم اقتصادی و هم سیاسی کاملاً امکان پذیر است در واقع طی بیست سال گذشته دولت اگر ذرهای علاقه به داشتن سیاست مستقل در مسئله نفت میداشت، فرصت وسیعی داشته است که این سیاست را تنظیم و اجراء کند. ولی دولت ترجیح داده است که از سوئی میدان غارتگری را برای کنسرسیوم باز نگاهدارد و از سوی دیگر درآمد حاصل از نفت را صرف مخارج نظامی کند. نظری به تناسب درآمد نفت و مخارج نظامی نشان میدهد که در واقع قسمت عمده و اساسی درآمد نفت از طریق مخارج نظامی روز-افزون و خرید اسلحه بیاد رفته است. به واقعات

رجوع کنیم:

در ظرف دهسال اخیر درآمد ایران از محل نفت کنسرسیوم از قریب ۲۶ میلیارد ریال به ۱۸۳ میلیارد ریال رسیده بدین معنی که شش برابر شده است. در همین مدت هزینه های مستقیم نظامی از ۱۲ میلیارد ریال به ۱۰۱ میلیارد ریال رسیده یعنی ۸٫۶ برابر شده است. در سال ۱۳۵۱ هزینه نظامی ۵۹ درصد درآمد نفت را میبلعید. در نتیجه این سیاست پس از هیجده سال که از داشتن قانون ملی شدن نفت گذشته است مبلغان رژیم بخود اجازه میدهند که از عواقب ورشکستگی آور بستن فوری شیرسرخن گویند! ما معتقدیم که اکنون نیز میتوان تا قبل از انعقاد مهلت قرارداد موجود با کنسرسیوم کلیه شرایط لازم را برای اجراء تمام و کمال ملی شدن نفت بوجود آورد. بنظر ما يك سیاست مستقل در مسئله نفت باید عوامل زیرین را در نظر گیرد:

(۱) ایران مالک تمام و کمال منابع و تأسیسات نفتی است و غرامت شرکتهای نفتی را پس از ملی شدن بجزان بیش از حد لازم پرداخته است؛

(۲) ایران کشوری است پر جمعیت، دارای بنیه اقتصادی بطور نسبی قوی، صاحب یکی از بهترین و ارزاترین نفتها. این کشور کاملاً امکان دارد در صورت نشان دادن عزم محکم و تجهیز تمام نیروهای مادی و معنوی خود با استفاده از شرایط مساعد جهان امروز بحق ملی خویش یعنی اجراء کامل قانون ملی شدن و تأمین بازار فروش نفت دسترس یابد و بمشابه يك قدرت نفتی مستقل در جهان عمل کند؛

(۳) ایران از لحاظ فنی دارای کارشناس بعد کافی است و میتواند عملیات استخراج، تصفیه و فروش نفت را از جهت فنی مستقلاً انجام دهد؛

(۴) ایران قادر است در صورت کاهش از مخارج سرسام آور نظامی و تسلیحاتی و مخارج غیر مولد دستگاه متورم اداری و جلوگیری از حیف و میل اموال دولتی و اتخاذ سیاست عادلانه مالیاتی طی مدتی ناوگان نیرومند نفتی متعلق بخود را بوجود آورد و لوله های نفتی لازم را احداث کند و بدون وساطت و دلالتی زبان بخش کارتل بین المللی نفت خود را مستقیماً به خریداران متعدد در بازار جهانی بفروشد. در واقع اگر از زمان ملی کردن نفت، هیئت حاکمه بجای بند و بست با کارتل بین المللی در فکر ایجاد ناوگان نفتکش و اجراء لوله کشیهای لازم بود، ما هم اکنون دارای چنین وسایلی بودیم و دیگر هر بار فقدان این وسایل بمشابه عذر بدتر از گناه بیان کشیده نمیشد. در صورت داشتن ناوگان نفتکش و اجراء لوله کشیهای لازم ما با فروش میزانی کمتر از نفتی که تولید میکنیم، میتوانیم درآمدی برابر با درآمد کنونی بدست آوریم. این نکته را نیز اضافه کنیم که صرف نظر از ایجاد ناوگان نفتکش ملی استفاده از ناوگان نفتکش کشور های دیگر که مستقل از کارتل عمل میکنند نیز امری است که همیشه ممکن است؛

(۵) ایران قادر است بکمک یا لایشگاه های نیرومندی که هم اکنون در اختیار دارد و با توسعه آنها و ایجاد تأسیسات عظیم جدید (امری که در شرایط امروزی جهان میسر است و احداث کارخانه ذوب آهن ایران بهترین شاهد آنست) نه تنها نفت خام، بلکه محصولات گرانبهای نفتی را در جهان بفروش رساند. حمل و نقل برخی از این محصولات به ناوگان نفتکش نیازمند نیست و مشتریان آن نیز بیشتر و درآمد حاصله از فروش بر مراتب فروتر است؛

(۶) ایران میتواند با بسط صنایع پترو-شیمی یکی از مهمترین صادر کنندگان محصولات صنعتی مشتق از نفت و گداز در جهان باشد.

ما اطمینان داریم که با استفاده عاقلانه از امکانات جهان امروز یعنی با استفاده از آمادگی کشورهای سوسیالیستی برای کمک همه جانبه به کشورهای ما، با استفاده از تناقضات داخلی اردوگاه امپریالیستی، در صورت داشتن نقشه درست و اجراء پیگیر آن با پشتیبانی مردم، میتوانیم سیاست مستقل ایران در مورد نفت تحقق بخشید. بر همین اساس، چنانکه گفتیم، با هر گونه اقدامی که منجر به تمهید و تحکیم تسلط غارتگرانه کنسرسیوم بین المللی نفت شود مخالفیم و معتقدیم که بجای مذاکرات سازشکارانه ای که با مشی عمومی اوپک تطبیق نمیکند و بمبارزه عمومی کشورهای صادر کننده نفت علیه کارتل بین المللی زبان میزند، يك سیاست ملی نه در جهت تسلیم به سلطه غارتگرانه کارتل بلکه در مقابله و مبارزه با آن در پیش گرفته شود.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی

حزب توده ایران

۲۶ تیر ماه ۱۳۵۱

خوانندگان عزیز!

باین آدرس با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034

10028 Stockholm 49

Sweden

شماره حساب بانکی مجله «مسائل»

بین المللی

Sweden

Stockholm

Stockholms Sparbank

N: 0 400 126 50

Dr. John Takman

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را به موقع اطلاع دهند.

آماري در باره وضع بحراني مسكن در ايران

کشور ما با بحران جدی مسکن روبروست. شهرها و روستاهای ایران به نوسازی عمیق احتیاج دارند. اکثریت مردم کشور ما فاقد مسکن شایسته و سرپناه مطمئن هستند و خرابیهای وسیع سیل و زلزله گواه صادق این واقعیت است.

یافته‌های سازمانهای آمارگیری کشور نشان میدهد که از کمی بیش از چهار میلیون واحد مسکونی کشور فقط ۳۴۴ هزار آن آجری است در ایران ۳۹۴ هزار خانه خشت و آجری وجود دارد. یک میلیون و ۲۸۳ هزار و ۶۵۵ خانه خشتی است، ۱۷۰ هزار خانه سنگ است، ۱۳۰۱۰۱۳۰ هزار خانه گلی است. بیش از ۱۴۰ هزار نفر در خانه‌های چادری ۱۲۵ هزار نفر در خانه‌های چوبی، ۹۲ هزار نفر در خانه‌های حصیری و نزدیک به یک میلیون نفر در زانوها، دخمه‌ها و بیگوله‌هایی بسر می‌برند که با حلبی، سنگ و حصیر و تخته پاره درست شده‌اند. این منظره مسکن در کشور ماست.

آمارهای دولتی نشان میدهد: در حال حاضر برای دو میلیون و ۴۰۱ هزار خانوار شهر نشین یک میلیون و ۳۰۰ هزار ۸۲۸ واحد مسکونی وجود دارد و اگر ۱۷۵ هزار ۲۲ واحد مسکونی بنا شده با حصیر، چوب، حلبی و مصالحی نظیر آن نیز باین تعداد اضافه شود کمبود مسکن در مناطق شهری از ۱۲۰ هزار واحد تجاوز میکند.

باتوجه بر رشد سریع جمعیت کشور، سالی یک میلیون نفر کارشناسان با نیک رهنی ایران لزوم ایجاد چهار میلیون واحد مسکونی دیگر را در ۲۰ سال آینده ضرور شمرده‌اند. برای اجرای این طرح هزینه‌ای معادل ۲۰۰ میلیارد ریال پیش بینی شده است.

در مقابل این واقعیت که کشور ما از یکسو به نوسازی سراسری احتیاج دارد و از سوی دیگر بحران مسکن روز بروز عمیق‌تر میشود دولت هیچگونه برنامه جدی برای حل این معضل اجتماعی ندارد. گاه سرمایه‌های خارجی و داخلی را بکام میخوانند و گاه متخصصین داخلی و خارجی را به مشورت مینشانند بدون اینکه برنامه‌ای برای مسکن و نوسازی کشور داشته باشند. کورس آموزگار وزیر آبادانی و مسکن در سمینار مسائل نوسازی و عمران شهری که در اردیبهشت ماه امسال در تهران تشکیل شد دعوی کرد که: «مشکل مسکن در ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان حاد نیست. کارشناسان خارجی که از محلات جنوبی تهران دیدن کرده‌اند میگویند در لندن و نیویورک وضع برآب بدتر است. ما باید کاری بکنیم که روستائی بشهر نیاید مشکل مسکن یک مشکل جهانی است و نباید برای آن زیاد جوش زد.» با چنین برداشتی مشکل مسکن و نوسازی

دنباله از صفحه ۱

اعترافات وزیر کشاورزی

را عددی بالغ بر ۹۰۰ میلیارد ریال فرض کنیم، از این درآمد، سهم روستائیان بین ۱۶ تا ۱۷ صد بیشتر نیست. بعبارت دیگر جمعیت روستا نشین، با آنکه ۸۵ درصد جمعیت را تشکیل میدهد فقط از ۱۸ درصد درآمد ملی استفاده میکند.

در همین زمینه، یعنی در زمینه وضع رقت بار کشاورزی ایرانی، روحانی مطالب زیرین را گفت: «در حال حاضر هر خانوار روستائی در ۱/۴ هکتار کشت میکنند. با این ترتیب ما نمیتوانیم کشاورزان را مرفه نگاه داریم، زیرا درآمد ۱/۴ هکتار در سال رقمی در حدود صد هزار ریال است که از این مقدار باید هزینه‌های مختلف که کشاورز در سال برای کشت انجام میدهد کسر کرد. در اینصورت رقمی بیش از ۵ هزار تومان برای یک کشاورز باقی نمی‌ماند. بنا بر این کشاورز ناچار است در طی سال فقط ۹۰ روز کار کند و بقیه را در بیکاری پنهان و آشکار بسر برد.»

روحانی در جلسه «کانون ناسیونالیستها» هم چنین افزود: «در سال ۱۳۵۰ بدنبال مذاکرات موفقیت آمیز نفت رشد اقتصادی به ۱۴ درصد رسید، در صورتیکه رشد کشاورزی به منهای چهار درصد رسید. با این ترتیب ما نتوانستیم لا اقل همان غذائی که مردم در سال ۱۳۴۶ میخوردند با آنها بدهیم.» ولایت وزیر امور تعاونی و روستاها چندی پیش در مصاحبه رادیو تلویزیونی خود اعتراف نمود که در سال ۱۳۵۰ میزان یکمیلیون و چهار صد هزار تن گندم از خارج وارد شده است و این نمونه مشخص دیگر وضعی است که روحانی وصف کرده است.

۲ - یک ارزیابی از اعترافات

آقای وزیر

اعترافات وزیر کشاورزی، چنانکه می‌بینیم، بسیار جدی است و به تفسیر خاصی احتیاج ندارد و بحران عمیق کشاورزی و دامپروری ایران، وضع رقت انگیز زندگی دهقانان را، علیرغم نیات گوینده اش، نشان میدهد. اینکه میگوئیم علیرغم نیات گوینده برای آنست که اولاً وزیر کشاورزی میکوشد این مشکلات را تا حدود زیادی به «مشکل جمعیت» مربوط کند و وعده میدهد که «برای رفع مشکل جمعیت در شهرها و روستاها امیدواریم میزان رشد جمعیت را از سه درصد به یک درصد در دهسال آینده برسانیم» و ثانیاً راه حل بحران عمیق کشاورزی و دام

ایران حل نشدنی خواهد ماند. البته آموزگار در باره میلیاردها پولی که دولت ایران هر سال صرف ارتش میکند، در باره میلیاردها پولی که در خرابه‌های تخت جمشید بصورت چادر و خیمه و خرگاه بالا رفته است بدون آنکه هیچ سودی برای کشور داشته باشد چنین نظری ندارد!

پروری ایران را در ادغام اراضی زراعی، در ایجاد «مجتمع‌های بزرگ دامداری»، در ایجاد «قطبهای بزرگ کشاورزی» میداند. ما هم در علت بحران و هم در چاره آن با وزیر کشاورزی موافق نیستیم. علت اساسی بحران را باید در خصلت نیم بند و ضددهقانی اصلاحات ارضی دانست که نخواستند و نتوانستند مسئله حاد ارضی را بشکل دموکراتیک و بسود توده‌های عظیم دهقانی حل کنند و زمینداری مالکی را نه فقط در بخش عمده اراضی کشاورزی ایران باقی گذاشته‌است، بلکه هم اکنون نیز روش گسترش این زمینداری را دنبال میکند.

و اما درباره چاره مشکلات بحران آمیز کنونی نیز که روحانی شمه‌ای از آن را (شمه‌ای که خود بسیار پر محتوی است) برشمرده ما با نظر وی موافقت نداریم. تردیدی نیست که باید واحدهای بزرگ و مکانیزه کشاورزی و دامپروری بوجود آید ولی نه بحساب سلب مالکیت دهقانان، نه بحساب ایجاد سیستم «لاتی فوندیا» و زمینداری بزرگ که در کشورهای دیگر سرمایه‌داری امتحان منفی خود را داده است، بلکه بحساب ایجاد آنچه‌ان واحد‌های بزرگ کشاورزی که در آن مالکیت دهقانان تضمین شود، بحساب بسط اراضی زیر کشت و تقسیم بلا-عوض کلیه زمینها متعلق به زمینداران مالک بین دهقانان بی زمین و کم زمین.

سیاست دولت از همان آغاز، چنانکه گفتیم، حفظ و گسترش زمینداری مالکانه بوده است. در این زمینه از بیانات روحانی برخی نتیجه‌گیریهای جالب بدست می‌آید.

۳ - نتیجه اصلاحات ارضی

از لحاظ توزیع مالکیت زمین

مسئله تعیین نسبت بین زمینداری مالکی و زمینداری دهقانی بمثابة نتیجه اصلاح ارضی مسئله ایست بسیار مهم که باتکاء حل آن میتوان خصلت اصلاحات ارضی و درجه دمکراتیک بودن آنرا تعیین کرد.

در این باره دولت یا خود آماری در دست ندارد یا از دادن آمارهای روشن تا کنون ظفره رفته است و لذا تنها از راه استنباطها و استنتاجها از گفته‌های مختلف میتوان منظرهای از توزیع مالکیت اراضی کشاورزی بدست آورد.

ازاجمله در اظهارات آقای روحانی در «کانون ناسیونالیستها» که بدنبال اشاره کرده‌ایم مطالبی است که میتواند وسیله‌ای برای این نوع استنباطها قرار گیرد. روحانی گفت: «در سال ۱۳۵۰ سطح زیر کشت به ۸۲ میلیون هکتار رسیده است؛ در صورتیکه تا قبل از اصلاحات ارضی این رقم ۶ میلیون هکتار بوده» و کمی دورتر گفت: «در حال حاضر هر خانوار روستائی در ۱/۴ هکتار کشت می‌کنند.»

این اعداد میتواند کمکی به حل مسئله باشد. البته در اظهارات مهندس روحانی همه چیز روشن نیست، مثلاً روشن نیست که منظور وی از «هر خانوار روستائی» چیست. زیرا اگر مقصد از این «خانوار روستائی»

دهقانان صاحب نسقی باشند که در نتیجه اصلاحات ارضی زمین گرفته‌اند، ما موافق آمارهای رسمی، با رقمی قریب ۲۵ میلیون خانوار روبرو هستیم و اگر مقصد کل اهالی روستا یعنی ۵۸ درصد نفوس کشور باشد و هر خانوار را از پنج نفر مر کب بگیریم، در آنصورت این رقم به ۳۵ میرسد و اگر مقصد کل اهالی روستا نباشد، بلکه فقط آن بخشی از اهالی روستا باشد که در کار تولید کشاورزی مداخله بلاواسطه دارند، اعم از صاحب نسق یا بدون نسق، در آنصورت مقدار از ۳۵ کمتر خواهد بود. یا مثلاً روشن نیست که رقم متوسط ۱/۴ زیر کشت را روحانی از چه مأخذی گرفته است. بنظر میرسد که وی یک سوم زمینی را که در نتیجه اصلاحات ارضی بطور متوسط اعاید دهقانان صاحب نسق شده ملاک گرفته زیرا در گذشته برخی از سخنگویان رژیم این حد متوسط را چهار هکتار اعلام نمودند. علاوه روشن نیست که مقصد از هر خانوار روستائی که در ۱/۴ هکتار کشت میکنند چیست آیا اراضی زیر کشت متعلق به خانوار روستائی است یا در اجاره او. طبیعی است که این نا روشنی‌ها امر

یک نتیجه گیری آماری منقح را دشوار میسازد ولی از آنجا که آمارهای روشنتری در دست نیست و علاوه چنین نتیجه گیری ضرور و سودمند است، ما بدان میردازیم: اگر ما رقم ۱/۴ هکتار را که گفته روحانی هر خانوار روستائی در زیر کشت دارد در مقدار خانوار دهقانان صاحب نسقی که زمین گرفته‌اند ضرب کنیم رقمی برابر با ۳۵ میلیون هکتار بدست می‌آید و از آنجا این نتیجه میشود که ۷۴ میلیون هکتار بقیه از ۸۲ میلیون هکتار کل اراضی زیر کشت در دست مالکان و دولت است. حتی اگر رقمی بیشتر از آن (که خانوارهای ده نشین کشاورز را در بر گیرد یعنی رقمی برابر با ۳ میلیون خانوار) را در نظر بگیریم، باز روشن میشود که قریب نیمی از اراضی زیر کشت در دست مالکان و دولت باقی مانده است و این امر خود نمودار خصلت ضد دمکراتیک و ضد دهقانی اصلاحات ارضی است.

بیانات روحانی نشان میدهد که گرایش اساسی در جهت بسط این نوع زمینداری یعنی در جهت تقویت خصلت غیر دمکراتیک تحولات ارضی در ایران است. این نتیجه گیری را انواع دیگر بررسی‌های آماری با برخی نوسانات غیر مهم تأیید میکند و نمودار خصلت ویژه اصلاحات ارضی در ایران است که در سازش با مالکان سابق که بیش از پیش به زمینداران بزرگ سرمایه‌دار مبدل میگردند انجام گرفته است.

تصحیح لازم

در مقاله «تحول جدید در کشور همسایه ما عراق» بجای نام رفیق مکرّم طالبانی اشتباهاً نوشته شده است محسن طالبانی؛ لطفاً اصلاح فرمائید!

دنباله از صفحه ۱

کنفرانس علمی بین‌المللی

تولید صنعتی قرقیزستان ۲۱۱ بار، تولید صنعتی مولداویا ۱۸۶ بار و از آن جمهوری سوسیالیستی ارمنستان ۲۰۱ بار افزایش یافته است. هم اکنون تولید صنعتی جمهوری سوسیالیستی کازاخستان سه برابر بیش از تمام روسیه در سال ۱۹۱۳ و سطح درآمد ملی در جمهوری سوسیالیستی ازبکستان سه تا چهار بار بیش از درآمد ملی کشور ترکیه است.

آنگاه برای نشان دادن تأثیر عظیم تشکیل دولت اتحاد جماهیر شوروی، تمرکز مالکیت اجتماعی وسائل تولید و وجود یک اقتصاد سراسری متحد در نیل بچنین پیروزی های شگرف خلقهائی که تا قبل از انقلاب اکتبر حتی مراحل بسیار عقب افتاده پیش از سرمایه داری را میسر کرده اند.

رئیس هیئت نمایندگان حزب ما تولید سرانه برق و فولاد و همچنین وضع فرهنگی چند جمهوری سوسیالیستی آسیائی شوروی و بویژه آنها که همسایه مستقیم کشور ما هستند با ارقام مشابه آن در ایران سنجید و از جمله چنین گفت: «در حالیکه تولید سرانه نیروی برق ایران در سال ۱۹۷۰ برابر با ۳۱۰ کیلووات ساعت بود، تولید سرانه جمهوری آذربایجان شوروی بالغ بر ۲۳۲۸ کیلووات ساعت، از آن تاجیکستان ۱۱۰۱ کیلووات ساعت و از آن ترکمنستان ۸۴۲ کیلووات ساعت بوده است. در جمهوری سوسیالیستی گرجستان در سال ۱۹۷۰ بیش از یک میلیون و نیم تن و در جمهوری سوسیالیستی آذربایجان در حدود ۷۳۲۰۰۰ تن فولاد تولید شده است در حالیکه نخستین تن چدن ایران تازه در سال ۱۹۷۲ بدست آمده است. در حالیکه در تمام جمهوریهای شوروی همسایه ایران تعلیمات متوسطه اجباری از سال ۱۹۷۰ وجود دارد هم اکنون در ایران بیش از ۸ میلیون کودک کمتر از ۱۵ سال از آموزش ابتدائی محرومند. در حالی که در ایران، با جمعیتی قریب ۳۰ میلیون نفر، تعداد دانشجویان از ۵۰ هزار نفر تجاوز نمیکند در چهار جمهوری شوروی آذربایجان، ارمنستان، ترکمنستان و تاجیکستان که جمعیت مجموع آنها به ده میلیون نفر نمیرسد بیش از ۲۱۷۰۰۰ دانشجوی در سال تحصیلی ۱۹۷۰-۷۱ در مؤسسات عالی آموزشی به ثبت رسیده اند.»

پس از ذکر شواهد آماری رفیق اسکندری به نقش عظیم اتحاد شوروی در دفاع از جنبش آزادیبخش خلقهای جهان پرداخت و از آن چنین نتیجه گرفت:

«در پرتو اعمال بی‌خنده‌ی اصول لنینی در مورد مسئله ملی در درون کشور و با پشتیبانی فعال از تمایلات ملی خلقهای کشور های مستعمره و وابسته در صحنه بین‌المللی اتحاد جماهیر شوروی اکنون بمنزله تکیه‌گاه نیرومند همه ملت‌ها در مبارزه علیه امپریالیسم، در راه استقلال ملی، دموکراسی و ترقی تلقی میگردد.»

معنای بند و بست

با امپریالیسم امریکا چیست؟

چندی پیش لیدر حزب دموکرات در کنگره امریکا «بگس» و لیدر حزب جمهوریخواه «فرد» بنا بدعوت چوئن لای نخست وزیر جمهوری توده ای چین در پکن بودند. آنها در دوران اقامت خود در پکن با چوئن لای ملاقاتها و گفتگو هائی انجام دادند. پس از بازگشت از سفر چین، بلافاصله در فرودگاه این دو تن اظهاراتی کردند که از جهت نشان دادن چهره دیپلماسی چین جالب است. بگس لیدر دموکرات گفت که لیدرهای چین از «تسلیمات آتی شوروی و از خلق سلاح امریکا ابراز نگرانی جدی کردند». لیدر جمهوریخواه فرد گفت: «چینی‌ها نمیخواهند که ایالات متحده امریکا از منطقه اقیانوس ساکن خارج شود و خروج امریکا را از این منطقه قبل از موقع میدانند». بگس و فرد در مصاحبه های دیگر خود گفتند که لیدرهای چین از آن «خلائی» که گویا در نتیجه رفتن ایالات متحده امریکا از آسیای جنوب خاوری و دیگر مناطق پدید میشود، نگران هستند. تبلیغات پنتاگون از این اظهارات استفاده وسیعی میکند و میگوید: چوئن لای به امریکا توصیه میکند تسلیمات را ادامه دهد و در آسیا باقی بماند، و این درست در موقعی است که جهانیان اقدامات بربر منشانه متجاوزین را در هندوچین با خشم و نفرت محکوم میکنند.

جالب است که تا کنون این اظهارات بگس و فرد از طرف مقامات رسمی در پکن مورد تکذیب قرار نگرفته است. در واقع نیز بعید است که آنان مطالبی معجول از قول چوئن لای نقل کنند. اگر بند و بست با امپریالیسم امریکا که تبلیغات مائوئیستی میکوشد علیرغم واقعیات عیان، اتحاد شوروی را بدان متمم سازد، معنای داشته باشد، معنای آن همین اظهارات است.

در جنبش‌رهای بخش ملی. عمال امپریالیسم این وسائل را برمی‌انگیزند تا توجه ملت‌های مورد ستم را از خطر واقعی که استقلال و تمایلات ترقیخواهانه آنها را تهدید میکند منحرف سازند. در کوشش برای متزلزل ساختن وحدت داخلی ملت‌ها و گسیختن رشته‌های همبستگی بین‌المللی آنها، عمال امپریالیسم بر تنگ نظرهای ناسیونالیستی که در این زمینه بنحو چشم‌گیری بارز است، تکیه میکنند؛ بر اساس تجربه کشور خودمان میتوان بر پایه فاکت‌های مسلم تقارنی را که بین امواج تبلیغات ضد شوروی و تضییقات ضد کمونیستی از یکسو و تدارک بند و بست‌های جدید هیئت حاکمه ایران با انحصارهای امپریالیستی از سوی دیگر وجود دارد، اثبات نمود.

دبیر اول حزب توده ایران سخنرانی خود را با جمله زیرین خاتمه داد:

«پیروزی تاریخی ملت‌های شوروی در ساختمان سوسیالیسم، موفقیت‌های عظیم آنان در راه ساختمان جامعه کمونیستی با انگا بشرائط برابری ملت‌های مختلف و وحدت بردارانه آنها در دامان جامعه و دولت واحد سوسیالیستی، اهرم بسیار نیرومندی برای پیشرفت سراسریست است. بهین سبب است که وفاداری به حزب بزرگ این، به حزب کمونیست، زرافتخار اتحاد شوروی، همبستگی، تزلزل ناپذیر با نخستین دولت پروولتری، نیرومندترین عامل صلح و ترقی جهان، الفبا هر مارکسیست-لنینست واقعی و هر کمونیست را تشکیل میدهد.

پاینده باد اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی!

این روش دولت اتحاد جماهیر شوروی نه تنها فاقد هر گونه جنبه نفع پرستانه است بلکه از وجود رابطه عینی عمیق بین مبارزه ضد امپریالیستی خلق‌های ستمکش و ایده نولوژی سوسیالیستی که سرسختترین دشمن هر گونه ستم ملی و مستعمراتی است ناشی میشود.

در مقابله با استعمار و استعمارنو، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دیگر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی، در عین حال برای کاهش خطر در گیری یک جنگ جهانی مبارزه میکنند. حوادث دهه اخیر با روشنی کامل نقش اتحاد شوروی را بمثابة نیرومندترین عامل جلوگیری از تمایلات تجاوزکارانه امپریالیست‌ها و عقیم ساختن نقشه‌های اسارت‌بار آنها نشان داده است.

سپس به برنامۀ صلح اتحاد شوروی بمنظور تأمین امنیت در قاره آسیا که رفیق برژنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی طی نطق مهم بیستم مارس ۱۹۷۲ خود مطرح ساخته است اشاره نمود و گفت: «این ابتکار یکی از مظاهر سیاست لنینی اتحاد شوروی سوسیالیستی برای حفظ صلح جهانی است و نشانه پشتیبانی بیدریغ از خلق‌های آسیائی است که در راه استقلال ملی، صلح و ترقی علیه متجاوزین امپریالیست‌ها مبارزه بر خاسته اند.»

در پایان سخنرانی رفیق ایرج اسکندری به تبلیغات دیوانه‌وار امپریالیستی و ارتجاعی علیه اتحاد شوروی و کمونیسم اشاره نموده اظهار داشت:

«آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم و انشعاب است بمنظور ایجاد گسیختگی و انشعاب

«نشریات توده»

بنا بتقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند، بدینوسیله بهای نشریات موجود به اطلاع همگان میرسد. ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند:

- ۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند.
- ۲) خوانندگان گرامی بابت نشریات که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمک کنند.
- ۳) رسید نشریات و مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند.

نام نشریه	بها به مارک آلمان غربی
ماهنامه مردم	۰/۵۰
مجله دنیا	۳
مجله مسائل بین‌المللی	۱
نشریه پیکار	۲
منتخبات آثار لنین در دو جلد (هر جلد در دو قسمت) هر قسمت	۱۵
سرمایه جزوه ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵	۵
هر جزوه	۳
مانیفست	۴
هیجدهم برومر لوتی بنایپارت	۳
برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی	۲
اسناد کنفرانس مسکو	۱
گزارش لنین برتلف به کنگره ۲۴	۲۴
حزب کمونیست اتحاد شوروی	۱
یادداشت‌های فلسفی و اجتماعی	۳
انقلاب اکتبر و ایران	۷
زندگی و آموزش لنین	۳
جهان بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران	۸
سالنامه توده	۶
بنیاد آموزش انقلابی	۴
واژه‌های سیاسی و اجتماعی	۴
الهی مبارزه	۱
دفاع روزبه	۲
یادنامه شهیدان	۱
توده ایها در دادگاه نظامی	۲
اسناد محکوم میکنند	۱
خان و دیگران	۱
روزنامه آذربایجان	۰/۵۰
مجله آذربایجان	۳
متن دفاع ارانی بزبان آذربایجانی	۱
آخرین دفاع روزبه بزبان آذربایجانی	۲
کتاب شهیدان بزبان آذربایجانی	۱
در دو جلد - هر جلد	۲
اشعاری در باره لنین بزبان آذربایجانی	۱
لنین و ایران بزبان آذربایجانی	۲